

مطالعه میزان مطابقت محتوای ارائه شده در درس «انقلاب اسلامی ایران» با انتظارات دانشجویان (مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا)

محمد جواد هراتی^۱

سیروس قنبری^۲

چکیده

هدف این پژوهش، پاسخ به این سؤال اساسی است که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران چقدر است؟ روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی بود. نمونه پژوهش ۳۸۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه بوعلی سینا بود که با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته پس از برآورد روایی و پایایی استفاده شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری آزمون t تک نمونه ای و آزمون t برای گروه‌های مستقل با بهره گیری از نرم افزار SPSS استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مجموع، میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون انقلاب اسلامی کمتر از حد متوسط می باشد. بیشترین میزان انتظارات برآورده شده دانشجویان از محتوای ارائه شده در خصوص مسائل قبل از انقلاب و ریشه‌های تاریخی آن و کمترین میزان انتظارات برآورده شده دانشجویان از محتوای ارائه شده در خصوص مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی بود. همچنین، دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر بیشتر اعتقاد دارند که محتوای درس انقلاب اسلامی با انتظارات آنها منطبق است.

کلیدواژه‌ها: انتظارات، دانشجویان، درس انقلاب اسلامی، محتوای آموزشی

Email: mjharaty@yahoo.com

Email: siroosghanbari@yahoo.com

۱- استادیار دانشگاه بوعلی سینا

۲- استادیار دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۲

مقدمه

آموزش عالی با پیشینه‌ای به قدمت بیش از هشتاد سال، همواره به عنوان نهادی کلیدی، مورد توجه خاص ملت‌ها و دولت‌هاست. شالوده توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور در دانشگاه‌ها ریخته می‌شود. بنابراین، دانشگاه‌ها نهادهای پرارزشی هستند که در فرایند توسعه یک کشور نقش حیاتی را بر عهده دارند (قورچیان و همکاران، ۱۳۷۶). دانشگاه‌ها از طریق کارکردهای متفاوتی در راستای توسعه کشور ایفای نقش می‌کنند. صاحب نظران، برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی امروز، سه کارکرد اصلی «تولید دانش یا پژوهش»، «انتقال دانش یا آموزش» و «اشاعه و نشر دانش یا ارائه خدمات» را مطرح می‌کنند که سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۱ نیز بر آن تأکید دارد (اجتهادی، ۱۳۷۷).

بدون تردید، منشاء و سرآغاز بسیاری از تحولات ملی و دستیابی به توسعه پایدار، وجود عامل انسانی توانمند و متخصص، کاردان، بصیر، خلاق و منضبط در جامعه می‌باشد که دستیابی به چنین سرمایه ارزشمندی از طریق کارکرد آموزش دانشگاه‌ها تحقق می‌یابد. طبق نظر فولتن^۲ (۱۳۷۳)، از بین وظایف متعدد دانشگاه‌ها، مهم‌ترین وظیفه آنها آموزش است (صادقی و حسینی، ۱۳۸۷). از این رو، تربیت نیروی انسانی در دانشگاه‌ها باید از زوایای مختلف از جمله از زاویه برنامه‌های درسی (به ویژه از نظر فرایند و محتویات آموزش) مورد مطالعه و کنکاش قرار گیرد (میرکمالی، ۱۳۷۲).

برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، در توفیق یا شکست این مؤسسات، نقش کلیدی و بسیار تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند. به عبارت روشن‌تر، برنامه‌های درسی آینه تمام نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند (فتحی و اجارگاه و شفیعی، ۱۳۸۶).

به عبارت دیگر، برنامه‌های درسی آموزش عالی از جمله عوامل و عناصری هستند که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزش عالی نقش بسزایی دارند. از این رو، برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می‌آیند، آینه نقش‌ها و اهداف آموزش عالی و شایسته توجه

^۱ - Unesco

^۲ - Folton

دقیق هستند (آلتباخ^۱)، ۱۹۹۸ به نقل از نوروززاده و همکاران، (۱۳۸۵). بنابراین، با توجه به تغییرات و تحولات دنیای کنونی و اثرگذاری آن بر زندگی اجتماعی در جوامع مختلف، مطالعه مستمر و بازنگری مداوم در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و به روز کردن آنها باعث ایفای رسالت‌ها و مأموریت‌های اصلی آموزش عالی می‌شود.

با شکل‌گیری انقلاب فرهنگی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی در کشور و با بازگشایی دانشگاه‌ها پس از دوره کوتاه تعطیلی، در خانواده دروس عمومی دانشگاه‌ها مجموعه دروسی به عنوان دروس معارف اسلامی گنجانده شد که اهداف این دروس عبارتند از: آشنایی دانشجویان با اندیشه‌های دینی در حوزه باور، اخلاق، تاریخ اسلام و تاریخ معاصر (آشنایی دانشجویان با معارف و سرچشمه‌های فکری انقلاب)، تبیین اندیشه دینی با ادبیات دانشگاهی، ارتقای معنویت و اخلاق، دمیدن روح الهی در کالبد دانشگاه، دعوت دانشجویان به قیام برای خدا، حل مشکلات عاطفی، آموزشی و سیاسی دانشجویان، تولید اندیشه دینی، ایجاد تحول عظیم روحی در دانشجویان و بسترسازی برای آن، پاسخگویی به مسائل وجودی انسان، رازها و نیازهای وجودی در جهان معاصر، افزایش شناخت و سطح آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی، اطلاع از ارزش‌های اسلامی، ایجاد تغییرات اساسی در رفتار و عادات دانشجویان، اشاعه دو عنصر علم و روحیه تدبیر در میان دانشجویان و ترویج روحیه انقلابی، نشاط انقلابی و بینش سیاسی در میان دانشجویان (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵).

اینک، با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی و از آن جایی که امروزه تضمین کیفیت در آموزش باید در صدر مسائل دانشگاه‌ها قرار گیرد، لزوم ایجاد یک نظام مناسب ارزشیابی برای این دروس، به منظور آگاهی از میزان تحقق اهداف و کارکردهای این دروس و ارتقای کیفیت آموزشی آنها جهت هر چه کارآمدتر کردن این دروس برای پاسخگویی به نیازهای نسل جوان و انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به آنان از ضرورتی مضاعف برخوردار است و اولین گام در این مسیر، انجام نظرسنجی‌های علمی و تجزیه و تحلیل نظرات عناصر نظام آموزشی از جمله دانشجویان است. لذا این پژوهش با هدف شناسایی میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران انجام شده است.

^۱- Altbach

درس «انقلاب اسلامی ایران» به عنوان یکی از دروس عمومی دوره کارشناسی و زیر مجموعه دروس معارف اسلامی است که از مهم‌ترین اهداف آن می‌توان به آشنایی دانشجویان با زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی و مبانی نظری آن، آشنایی با آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و همچنین دفاع از مبانی آن اشاره نمود. این درس از ابتدای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص گنجانیدن دروس معارف اسلامی در میان دروس کارشناسی، با عنوان «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن» ارائه می‌گردید و از اولین متونی که برای آن در نظر گرفته شده بود، کتاب نسبتاً قطور و حجیم «انقلاب اسلامی و ریشه‌ها» تألیف مرحوم آیت الله عمید زنجانی بود که محتوای کتاب مذکور بیشتر به زمینه‌های مذهبی تاریخی شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌پرداخت (عمید زنجانی، ۱۳۷۲).

پس از گذشت چند سالی از تدریس این درس و بررسی‌های صورت گرفته از سوی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ضرورت بازنگری در متن و سرفصل‌های این درس احساس گردید و به همین دلیل کتاب‌های دیگری برای آن ارائه شد. از جمله کتابی با عنوان «ریشه‌های انقلاب اسلامی» توسط جمعی از نویسندگان نوشته شد و طی چند سال به عنوان متن اصلی درس فوق ارائه گردید.

پس از مدتی، عنوان این درس به «انقلاب اسلامی ایران» تغییر یافت که این تغییر به منظور فراهم آوردن بستر مناسب برای طرح مباحث پس از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بود. در سال ۱۳۸۹، کتاب «انقلاب اسلامی» نوشته جمعی از نویسندگان به طور کلی از فرایند تدریس در دانشگاه‌ها خارج گردید و کتاب «درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی» نوشته عیوضی و هراتی به عنوان متن اصلی این درس از سوی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها معرفی شد و ویراست‌هایی نیز از آن به چاپ رسید و پس از آن نیز کتاب‌های متعددی برای این درس به رشته تحریر درآمده است.

شاید مهم‌ترین دلیل وفور تألیفات و همچنین لزوم تغییر و بازنگری در محتوای کتاب‌های این درس، سپری شدن مدتی از انقلاب اسلامی و قرار گرفتن دوره جمهوری اسلامی ایران در حوزه تاریخی بود که به موضوعات آن بایستی به عنوان بخشی از تاریخ انقلاب پرداخته می‌شد. در واقع، پاسخگویی به شبهات و سؤال‌های دانشجویان پیرامون جمهوری اسلامی ایران به

عنوان بخشی از انتظارات آنان مطرح است که توجه به این امر ضروری بوده و تا حدودی در تدوین متون درس فوق به این موضوع پرداخته شده است. اما علیرغم تلاش مؤلفین در تدوین متون مناسب برای این درس، این سؤال اساسی مطرح است که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران چقدر است؟ به عبارت دیگر، تا چه اندازه محتوای درسی ارائه شده در کلاس‌های درس انقلاب اسلامی ایران پاسخگوی سؤال‌ها و شبهات دانشجویان بوده است؟

در زمینهٔ دروس و محتوای آموزشی در دانشگاه‌ها تا کنون اظهار نظرات و مطالعات بسیاری انجام شده است. یکی از ویژگی‌های ضروری برای انتخاب محتوا، علاوه بر توجه به نیازهای جامعه و مسائل روز جهانی، در نظر گرفتن نیازها و علائق شخصی فراگیران است. محتوا باید به گونه‌ای انتخاب شود که دانشجویان به فراگیری این موضوع‌ها احساس نیاز کنند و بی‌ارتباط با علائق و نیازهای فراگیران نباشد (گالانگلو، ۲۰۰۱). در صورتی که محتوای برنامهٔ درسی صرفاً بر پایهٔ موضوع‌های علمی باشد و جایی برای علائق فراگیران در نظر گرفته نشود، خستگی از کلاس درس و احساس کسالت از فراگیری، امری اجتناب‌ناپذیر است (کاسیون و همکاران، ۲۰۰۰، به نقل از نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۸۸).

نیلی احمدآبادی (۱۳۷۱) طی انجام پژوهشی علاوه بر عوامل دیگر، تجدید نظر در متون درسی و انطباق دروس با نیازهای جامعه، کاهش ساعات تدریس اساتید و افزایش اوقات مطالعه و تحقیق آنان را از عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در دانشگاه مطرح می‌نماید. محمدبیگی دهقی (۱۳۷۴) نیز در تحقیق خود پیرامون عناصر مهم در بهبود کیفیت آموزشی به عواملی چون: انتخاب مدرسان واجدالشرايط، تهیه و تدوین منابع و مواد آموزشی مناسب، توجه بیشتر به امر تحقیق اشاره می‌کند. محمدپور (۱۳۷۴) طی پژوهشی عواملی چون: بازنگری در کتاب‌های درسی برای انطباق با نیازهای آموزشی فراگیران و جامعه، شرکت فعال فراگیران در محیط آموزشی، انتخاب استادان با توان علمی مناسب، استفاده از روش‌های تدریس جدید و فراگیر محور و... را در ارتقای سطح کیفی آموزش مؤثر می‌داند.

حسین زاده (۱۳۷۹) طی پژوهشی پیرامون عوامل افزایش دهندهٔ کیفیت آموزشی درس دینی، تسلط معلمان بر محتوای درس، سازماندهی صحیح محتوای درس، استفادهٔ بهینه از وسایل

کمک آموزشی، بهره گیری از روش های مختلف تدریس و وجود رابطه مؤثر و سازنده بین معلم و فراگیر را موجب افزایش کیفیت آموزش این درس معرفی می نماید.

نتایج مطالعات در خصوص دروس معارف اسلامی بیانگر آن است که عمده ترین مشکلات دانشجویان در ارتباط با این دروس عبارتند از: مشکلات استادان: ۴۵ درصد، محتوای دروس: ۲۸/۵ درصد، نداشتن انگیزه برای خواندن درس: ۸/۲ درصد، برنامه ریزی دروس: ۳/۸ درصد، نامناسب بودن زمان ارائه دروس: ۴۴ درصد، نامناسب بودن مکان ارائه دروس: ۳۸ درصد، شلوغی کلاس: ۵۹ درصد، ضعف علمی منابع: ۵۴ درصد، و نامناسب بودن نوع درس: ۴۰ درصد (یوسفی لویه، ۱۳۷۹ به نقل از مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵).

نتایج پژوهش آقاجانی و فرزندوحی (۱۳۸۰) مبین آن است که سرفصل دروس معارف باید با مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه که مورد نیاز جوانان در جهان امروز است، متناسب باشد. استادان به جای ارائه دروس به صورت یکجانبه از شیوه دوطرفه پرسش و پاسخ بهره گیرند و علاوه بر ارتباط علمی، باید با دانشجویان رابطه عاطفی برقرار کنند. آنان باید اطلاعات علمی خود را در زمینه معارف اسلامی گسترش دهند (به نقل از منبع قبلی، ص ۳۹).

نتایج تحقیق فاضلی (۱۳۷۸) در خصوص بررسی برنامه درسی رشته روانشناسی نشان می-دهد که بین برنامه درسی و پیشرفت های اخیر با نیازهای امروز جامعه تطابق وجود ندارد و تناسبی بین مطالب ارائه شده و قابلیت های شعلی دانش آموختگان دیده نمی شود.

ملایی نژاد و همکاران (۱۳۸۴) طی پژوهشی نتیجه گرفتند که محتوای دروس تربیت معلم در ایران به طور عمده نظری، فرایند یاددهی و یادگیری یک طرفه و معلم محور است و استادان بیشتر از روش سخنرانی در کلاس استفاده می کنند و در ارزشیابی از آموخته های دانشجویان بیشتر بر هدف های شناختی و در سطح دانش و فهمیدن تکیه می شود.

مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) به بررسی نگرش دانشجویان نسبت به برنامه ریزی دروس معارف اسلامی پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ۵۰/۱ درصد از دانشجویان محتوای دروس معارف اسلامی را از نظر غنای علمی و استدلال منطقی مثبت ارزیابی کردند. ۳۲/۹ درصد متغیر رفع نیازهای دانشی و بینشی، ۳۸/۵ درصد پاسخگویی و به روز بودن، ۳۸/۱ درصد تقویت انگیزه و ایجاد علاقه و شوق، ۳۶/۵ درصد تثبیت و تقویت رفتارهای مثبت و ابعاد

معنوی، ۳۸/۶ درصد عمق بخشی به باورها و نگرش های مثبت، ۲۰/۶ درصد ایفای نقش هدایت گری و راهبری فکری، ۲۲/۶ درصد تقویت مهارت های فکری و علمی در زندگی را به وسیله محتوای دروس معارف اسلامی مثبت ارزیابی کردند و ۲۲/۲ درصد از دانشجویان معتقد بودند که محتوای دروس معارف اسلامی از ادبیاتی روان، جذاب و باور آفرین برخوردار است. به طور کلی، بر اساس نتایج پژوهش ۳۳/۲ درصد از دانشجویان محتوای دروس معارف اسلامی را مثبت ارزیابی کردند و بقیه یا بی نظر و یا مخالف بودند.

یافته های تحقیق فروغی ابری و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه راهکارهای ارتقای کیفیت آموزش رشته های علوم قرآنی، نشان دهنده تأثیر گذاری قابل ملاحظه عوامل تناسب برنامه های آموزشی با نیازهای واقعی دانشجویان، واجدالشرایط بودن اساتید، در اختیار داشتن تجهیزات مناسب آموزش و استفاده از کادر اداری مجرب و متخصص بر کیفیت آموزشی رشته های علوم قرآنی بود.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی نظرات دانشجویان در باره میزان مطابقت محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران با انتظارات دانشجویان در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها است و با توجه به هدف کلی فوق، سؤال اساسی پژوهش این است که محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون انقلاب اسلامی برآورده کرده است؟ سوال های فرعی پژوهش عبارتند از:

۱- محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل قبل از انقلاب و ریشه های تاریخی آن برآورده کرده است؟

۲- محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی برآورده کرده است؟

۳- محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون آرمانها و دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی برآورده کرده است؟

۴- محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین المللی برآورده کرده است؟

۵- از نظر دانشجویان، مهم‌ترین عوامل در افزایش برآورده شدن انتظارات آنها از محتوای درسی انقلاب اسلامی کدام است؟

۶- آیا بین نظرات دانشجویان درخصوص میزان انطباق محتوای درسی انقلاب اسلامی با انتظارات آنها به لحاظ جنسیت تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و در آن از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه بوعلی سینا است که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در درس انقلاب اسلامی ثبت نام نموده و در کلاس این درس حضور داشته اند. حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۹) تعداد ۳۸۲ نفر برآورد گردید و نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شد. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز علاوه بر روش مطالعه کتابخانه ای، از پرسشنامه محقق ساخته شامل ۱۹ سؤال بسته پاسخ و پنج گزینه ای مطابق با مقیاس پنج درجه ای لیکرت و یک سؤال باز پاسخ استفاده شده است. روایی پرسشنامه با استفاده از روش روایی محتوا و با بهره گیری از دیدگاه پنج نفر از اساتید صاحب نظر تعیین شد و پایایی پرسشنامه طی مطالعه مقدماتی با استفاده از روش آلفای کرونباخ تعیین گردید که میزان ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۴. به دست آمد. جهت جلوگیری از افت نمونه تعداد ۴۲۰ پرسشنامه توزیع گردید، اما در مرحله تجزیه و تحلیل تعداد ۳۸۰ پرسشنامه جمع آوری شده کامل بود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های

پژوهش، از شاخص‌های آمار توصیفی در سطح فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون t تک گروهی و آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

مشخصات جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه:

از مجموع نمونه مورد مطالعه ۲۰۱ نفر (۵۲/۹٪) از دانشجویان دختر و ۱۷۹ نفر (۴۷/۱٪) پسر بوده است. که ۱۰۵ نفر (۲۷/۶٪) در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۳۶ نفر (۹/۵٪) در دانشکده علوم پایه، ۹۷ نفر (۲۵/۵٪) در دانشکده فنی و مهندسی و ۴۶ نفر (۱۲/۱٪) در دانشکده کشاورزی و ۹۶ نفر (۲۵/۳٪) در سایر دانشکده‌ها مشغول تحصیل بودند. همچنین تعداد ۶۵ نفر (۱۷/۱٪) زیر ۳۰ واحد، ۷۱ نفر (۱۸/۷٪) بین ۳۱ تا ۶۰ واحد، ۱۱۴ نفر (۳۰٪) بین ۶۱ تا ۱۰۰ واحد و ۱۰۲ نفر (۲۶/۸٪) بیشتر از ۱۰۰ واحد گذرانده‌اند. ۳۷۰ نفر (۹۷/۴٪) از دانشجویان زیر ۲۵ سال، ۵ نفر (۱/۳٪) بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۲ نفر (۰/۵٪) بین ۳۱ تا ۴۰ سال، و ۳ نفر (۰/۸٪) ۴۱ سال و بیشتر سن داشته‌اند.

تجزیه و تحلیل سؤال‌های پژوهش:

سؤال اصلی پژوهش:

محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون انقلاب اسلامی برآورده می‌کند؟
جدول ۱- میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان درخصوص پاسخگویی به شبهات و

سؤالات آنها پیرامون انقلاب اسلامی

متغیر	شاخص‌های آماری	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری ^۱	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
پاسخگویی به شبهات و سؤالات پیرامون انقلاب اسلامی		۲/۷۹	۰/۷۶	۳	۵/۱۵	۳۷۹	۰/۰۰۰

۱- میانگین آماری هر گویه ۳ است، زیرا $1+2+3+4+5 \div 5 = 3$.

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = 0/001$ و با درجه آزادی $df = 379$ بزرگتر است $(3/29 = 379 و 0/001)$ ، بنابراین، بین میانگین مشاهده شده و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین مشاهده شده (نظرات دانشجویان) از میانگین فرضی کوچکتر است، می توان نتیجه گرفت که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون انقلاب اسلامی کمتر از حد متوسط می باشد.

سؤال فرعی اول:

محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل قبل از انقلاب و ریشه های تاریخی آن برآورده می کند؟

جدول ۲- میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها

پیرامون مسائل قبل از انقلاب و ریشه های تاریخی آن

متغیر	شاخص های آماری	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
پاسخگویی به شبهات و سؤالات پیرامون مسائل قبل از انقلاب و ریشه های تاریخی آن	۲/۹۱	۰/۸۲	۳	۲/۰۹	۳۷۹	۰/۰۳۷	

بر اساس یافته های جدول شماره ۲، چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = 0/05$ و با درجه آزادی $df = 379$ بزرگتر است، $(1/96 = 379 و 0/05)$ ، بنابراین، بین میانگین مشاهده شده و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی کوچکتر است، با ۹۵٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل قبل از انقلاب اسلامی و ریشه های تاریخی آن کمتر از حد متوسط است.

سؤال فرعی دوم:

محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی برآورده می‌کند؟

جدول ۳- میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی از مطالب تدریس شده درس انقلاب اسلامی:

شاخص های آماری	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
متغیر	۲/۷۴	۰/۸۴	۳	۵/۸۷	۳۷۹	۰/۰۰۰
پاسخگویی به شبهات و سؤالات پیرامون مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی						

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ و با درجه آزادی $df = ۳۷۹$ بزرگ‌تر است، $t_p(۰/۰۰۱ و ۳۷۹) = ۳/۲۹$ ، بنابراین، بین میانگین مشاهده شده و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی کوچک‌تر است، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی کمتر از حد متوسط است.

سؤال فرعی سوم:

محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون آرمانها و دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی برآورده می‌کند؟

جدول ۴- میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها
پیرامون آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی از مطالب تدریس شده درس انقلاب
اسلامی:

متغیر	شاخص‌های آماری	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
پاسخگویی به شبهات و سؤالات پیرامون آرمانها و دستاوردهای انقلاب اسلامی	۲/۸۹	۰/۹۲	۳	۲/۲۱	۳۷۹	۰/۰۲۷	

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴، چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ و با درجه آزادی $df = ۳۷۹$ بزرگ‌تر است، $t = ۱/۹۶$ و $t_p(۰/۰۵, ۳۷۹)$ ، بنابراین، بین میانگین مشاهده شده و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی کوچکتر است، با ۹۵٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون آرمانها و دستاوردهای انقلاب اسلامی کم‌تر از حد متوسط است.

سؤال فرعی چهارم:

محتوای درسی ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی تا چه اندازه انتظارات دانشجویان را در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی برآورده می‌کند؟

جدول ۵- میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان درخصوص پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها
پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی از مطالب تدریس شده درس انقلاب اسلامی:

متغیر	شاخص‌های آماری	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
پاسخگویی به شبهات و سؤالات پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی	۲/۶۷	۰/۸۵	۳	۷/۳۴	۳۷۹	۰/۰۰۰	

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵، چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = 0/001$ و با درجه آزادی $df = 379$ بزرگتر است، $t_{0/001} = 3/29$ و $t_{0/001} = 3/29$ ، بنابراین، بین میانگین مشاهده شده و میانگین فرضی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین مشاهده شده از میانگین فرضی کوچکتر است، با ۹۹٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از مطالب تدریس شده در درس انقلاب اسلامی در زمینه پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین المللی کمتر از حد متوسط است.

سؤال فرعی پنجم:

از نظر دانشجویان، مهم ترین عوامل در افزایش برآورده شدن انتظارات آنها از محتوای درس انقلاب اسلامی کدام است؟

جدول ۶- عوامل مؤثر بر افزایش بر آورده شدن انتظارات دانشجویان از محتوای درس انقلاب

اسلامی ایران از نظر دانشجویان

جمع	روش تدریس استاد	توانمندی علمی استاد	تغییر سرفصل های درس	عوامل شاخص های آماری
۳۸۰	۱۳۶	۱۵۲	۹۲	فراوانی
۱۰۰	۳۵/۸	۴۰	۲۴/۲	درصد فراوانی

براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۶، به نظر ۹۲ نفر (۲۴/۲٪) از دانشجویان برای برآورده شدن انتظارات آنها از محتوای درس انقلاب اسلامی و یافتن پاسخ شبهات و سؤالات خود از کلاس این درس، تغییر سرفصل های درس می تواند به عنوان عامل مؤثری باشد. به نظر ۱۵۲ نفر (۴۰٪) توانمندی علمی و به روز بودن اطلاعات استاد و به نظر ۱۳۶ نفر (۳۵/۸٪) روش تدریس استاد تأثیرگذارتر است. بنابراین، از نظر دانشجویان، توانمندی علمی استاد بیشترین تأثیر را در افزایش میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از محتوای ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی دارد.

سؤال ششم:

آیا بین نظرات دانشجویان درخصوص میزان انطباق محتوای درس انقلاب اسلامی با انتظارات آنها به لحاظ جنسیت تفاوت وجود دارد.

جدول ۷- مقایسه میانگین نظرات دانشجویان دختر و پسر درخصوص میزان انطباق محتوای درس

انقلاب اسلامی با انتظارات آنها

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۱۷۹	۲/۶۲	۰/۷۷	۴/۷۴	۳۷۸	۰/۰۰۰
دختر	۲۰۱	۲/۹۸	۰/۷۱			

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۷، میانگین نظرات دانشجویان دختر، (۲/۹۸) و بزرگ‌تر از میانگین نظرات دانشجویان پسر (۲/۶۲) است و از آن جایی که مقدار t محاسبه شده از مقدار t بحرانی در سطح $\alpha = ۰/۰۰۱$ و با درجه آزادی $df = ۳۷۸$ بزرگتر است، $t = ۳/۲۹ = ۳۷۸$ و $t_{p(۰/۰۰۱)}$ ، بنابراین، بین میانگین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به این که میانگین دانشجویان دختر از میانگین دانشجویان پسر بزرگ‌تر است با ۹۹٪ اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر بیشتر اعتقاد دارند که محتوای درس انقلاب اسلامی با انتظارات آنها منطبق است.

نتیجه گیری

با توجه به فلسفه وجودی دروس معارف اسلامی در مسیر کمک به دانشگاه‌ها در ایفای نقش ذاتی^۱ و مأموریت اساسی آنها یعنی انسان‌سازی و نقش این دروس در رشد و تعمیق مبانی و اندیشه‌های فکری و فضایل اخلاقی دانشجویان (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵)، ضرورت مطالعه و لزوم بررسی موفقیت این دروس در پاسخ به نیازهای دانشجویان و جامعه بیش از پیش نمایان می‌شود. در این راستا، هدف از انجام این پژوهش شناسایی نظرات دانشجویان در باره میزان مطابقت محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران با انتظارات دانشجویان در پاسخگویی به شبهات و سؤالات آنها بود. برای این منظور، میزان برآورده شدن انتظارات دانشجویان از کیفیت محتوای ارائه شده در درس انقلاب اسلامی ایران در مجموع و به تفکیک ابعاد و زیر

مقیاس‌ها تحلیل شد. همان‌طور که از یافته‌های پژوهش ملاحظه شد، در مجموع دانشجویان کیفیت محتوای ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی ایران را پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی کردند. یافته‌های پژوهش در خصوص ابعاد و زیرمقیاس‌های درس فوق، مبین آن است که بیشترین میزان رضایت دانشجویان از محتوای ارائه شده در خصوص مسائل قبل از انقلاب و ریشه‌های تاریخی آن با میانگین (۲/۹۱) است. بعد از آن، محتوای ارائه شده در زمینه آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب با میانگین (۲/۸۹) و سپس محتوای ارائه شده در خصوص مسائل بعد از انقلاب و جمهوری اسلامی با میانگین (۲/۷۴) و در آخر محتوای ارائه شده پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین‌المللی با میانگین (۲/۶۷)، کم‌ترین میزان انطباق با انتظارات دانشجویان را دارد. همچنان که نتایج نشان می‌دهد، در تمام ابعاد چهارگانه، میانگین نظرات دانشجویان در سطح کمتر از حد متوسط قرار دارد. این یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) همخوانی دارد. این پژوهشگران نیز در سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه ریزی دروس معارف اسلامی به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ۳۳/۲ درصد از دانشجویان محتوای دروس معارف اسلامی را مثبت ارزیابی کردند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر در مجموع با بخشی از یافته‌های پژوهش نیلی احمدآبادی (۱۳۷۱)، محمدبیگی دهقی (۱۳۷۴)، فاضلی (۱۳۷۸)، حسین زاده (۱۳۷۹)، ملایی نژاد و همکاران (۱۳۸۴) و فروغی ابری (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

همچنین، یافته‌های پژوهش در خصوص نظرات دانشجویان در باره عوامل مؤثر بر افزایش میزان تطابق محتوای درس انقلاب اسلامی ایران با انتظارات آنها نشان داد که ۴۰ درصد دانشجویان، توانمندی علمی استاد، ۳۵/۸ درصد روش تدریس استاد و ۲۴/۲ درصد از دانشجویان تغییر سرفصل‌های درس را به عنوان عوامل مؤثر در افزایش انطباق محتوای درس با انتظارات دانشجویان می‌دانند. همچنین، نیلی احمدآبادی (۱۳۷۱)، کاهش ساعات تدریس اساتید و افزایش اوقات مطالعه و تحقیق؛ محمدبیگی دهقی (۱۳۷۴)، انتخاب مدرسان واجد شرایط؛ حسین زاده (۱۳۷۹)، تسلط معلمان بر محتوای درس، استفاده بهینه از وسایل کمک آموزشی، بهره‌گیری از روش‌های مختلف تدریس و وجود رابطه مؤثر و سازنده بین معلم و فراگیر (آقاجانی و فرزندوحی، ۱۳۸۰ به نقل از مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵)؛ استفاده از روش‌های

فعال تدریس و برقراری ارتباط عاطفی با دانشجویان توسط اساتید و فروغی ابری و همکاران (۱۳۸۷)، واجدالشرايط بودن اساتید را از جمله عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت آموزشی معرفی کرده اند که با یافته پژوهش حاضر مطابقت دارد.

با توجه به نظرات دانشجویان در خصوص عوامل اثرگذار در افزایش کیفیت محتوای درس انقلاب ایران، با عنایت به این که بیشتر نمونه مورد مطالعه عامل توانمندی علمی اساتید و سپس روش تدریس اساتید را مؤثرتر می دانند، شاید بتوان اذعان داشت که پایین بودن میزان کیفیت محتوای ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی ایران، احتمالاً بیشتر از آن که به ماهیت محتوا ارتباط داشته باشد، به توانمندی های علمی، تسلط اساتید به محتوای آموزشی و روش های تدریس آنان مرتبط است. البته، برای حصول اطمینان بیشتر باید در این زمینه پژوهش های دیگری انجام شود.

یافته های پژوهش در زمینه مقایسه نظرات دانشجویان دختر و پسر در باره میزان برآورده شدن انتظارات آنان از محتوای ارائه شده در کلاس درس انقلاب اسلامی ایران نشان داد که بین میانگین نظرات این دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد؛ به گونه ای که انتظارات دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر از محتوای ارائه شده در کلاس درس فوق برآورده شده است. شاید بتوان تفاوت میانگین نظرات دانشجویان دختر و پسر را در این خصوص، به ویژگی های ذهنی، انتزاعی، علائق و مسؤولیت های اقتصادی- اجتماعی آنان و زمینه های فرهنگی حاکم بر جامعه مورد مطالعه نسبت داد.

در پایان، قابل ذکر است که در پژوهش های حوزه علوم انسانی، به دلیل پیچیدگی و عدم قطعیت در مورد شناخت نگرش های انسان، تعمیم نتایج باید با احتیاط و دقت فراوان انجام شود، علیرغم تلاش برای افزایش دقت پژوهش، تعمیم نتایج در ترم های آینده باید با احتیاط و بهره گیری از یافته های پژوهش های تکمیلی انجام شود. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، می توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- در ارائه محتوای درس انقلاب اسلامی، اساتید بیش از گذشته به افزایش آگاهی دانشجویان پیرامون مسائل روز جامعه ایران و نظام بین المللی توجه نمایند و با مطالعه عمیق در این زمینه به شبهات و سؤالهای دانشجویان پاسخ دهند.

۲- توجه به نیازها و علائق دانشجویان از جمله مواردی است که صاحب نظران برای بالا بردن رضایت دانشجویان بر آن تأکید می‌کنند. بنابراین، ضمن تناسب محتوای آموزشی درس انقلاب اسلامی با نیازهای فردی و اجتماعی دانشجویان و نوآوری‌های علمی، لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا در راستای موضوع درس، اساتید به علائق و نیازهای دانشجویان توجه کنند.

۳- با توجه به تأثیر عمده اساتید در افزایش کیفیت آموزش، توجه جدی به نکات زیر ضروری است:

توانایی برقراری ارتباط مؤثر و سازنده توأم با احترام متقابل و برخورداری از فضیلت‌های والای انسانی و اخلاقی، دارا بودن تخصص و تحصیلات مرتبط با درس انقلاب اسلامی و تسلط علمی بر موضوع درسی، آگاهی از شیوه‌های نوین تدریس و استفاده از روش تدریس متناسب با موضوعات درس انقلاب اسلامی، توانایی تفهیم مطالب به دانشجویان و آشنایی به شیوه‌های بروز خلاقیت و ترغیب دانشجویان برای پژوهش.

منابع

۱. اجتهادی، مصطفی (۱۳۷۷) تحلیلی بر توانمندیها و کاستیهای نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، سال ششم.
۲. حسین زاده، محسن (۱۳۷۹) بررسی نظرات مدیران و دبیران دینی در مورد عوامل افزایش دهنده کیفیت آموزشی درس دینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
۳. فاضلی، عصمت (۱۳۷۸) خلاصه طرح پژوهشی بررسی برنامه درسی رشته روانشناسی و میزان تحقق اهداف آن از نظر مدرسان و دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات، فناوری.
۴. فتحی واجارگاه، کورش و شفیع ناهید (۱۳۸۶) ارزیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان)، فصل نامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۵، سال دوم.
۵. فروغی ابری، احمدعلی و همکاران (۱۳۸۷) راهکارهای ارتقای کیفیت آموزشی رشته های علوم قرآنی از دیدگاه استادان و دانشجویان مؤسسه آموزش عالی آزاد علوم قرآنی و معارف اسلامی غدیر، فصل نامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۲۰.
۶. محمد پور، محمد رضا (۱۳۷۴) بررسی نظرات دانشجویان در مورد عوامل افزایش دهنده کیفیت آموزش در مراکز تربیت معلم استان خوزستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۷. محمدیگی دهقی، احمد (۱۳۷۴) بررسی عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت آموزشی دوره های ضمن خدمت مرکز آموزش عالی شهید فارسی از دیدگاه فراگیران و مدرسین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۸. قورچیان، نادرقلی و همکاران (۱۳۷۶) دایره المعارف آموزش عالی، چاپ اول، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۹. نیلی احمدآبادی، محمد رضا (۱۳۷۱) نظر سنجی مقایسه ای اعضای هیأت علمی دانشگاه های اصفهان و صنعتی اصفهان در رابطه با عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی هر دو دانشگاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی اصفهان.

۱۰. امیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۲) انقلاب اسلامی و ریشه ها، تهران، کتاب سیاسی.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم و هراتی، محمدجواد (۱۳۹۰) درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی، قم، نشر معارف.
۱۲. مجیدی، محمدرضا و فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۵) بررسی سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه ریزی دروس معارف اسلامی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، سال دوازدهم.
۱۳. ملایی نژاد، اعظم و همکاران (۱۳۸۴) مطالعه تطبیقی نظام برنامه درسی تربیت معلم کشورهای انگلستان، فرانسه، ژاپن، مالزی و ایران، طرح تحقیقاتی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۴. میرکمالی، سیدمحمد (۱۳۷۲) «تحلیلی بر توانمندیهای شغلی فارغ التحصیلان دانشگاهها»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴، سال اول.
۱۵. نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۹) روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، تهران، انتشارات ارسباران.
۱۶. نوروززاده، رضا و همکاران (۱۳۸۵) وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در باز نگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴، سال دوازدهم.
۱۷. نیک نشان، شقایق و همکاران (۱۳۸۸) میزان استفاده استادان از محتوای درسی مناسب برای دانشجویان استعداد درخشان و عادی، فصل نامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۵، شماره ۴.